

# الگوهای اجرای شریعت

## اجرای شریعت در پرتو نظریه‌های رهبری



سید کاظم سید باقری

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

حکومت اسلامی ساختی دوگانه و طولی است. «رهبری» در رأس متصدی فهم شریعت/ احکام در قالب تقنین و تعیین سیاست‌ها و راهبردهای کلان و خرد، و «دولت» در ذیل آن، به مثابه بازوی اجرایی و عملیاتی رهبری، متصدی برنامه‌ریزی برای اجرای قوانین، سیاست‌ها و راهبردهای تعیین شده توسط رهبری است.

۳. با توجه به تأثیر بنیادین ماهیت و «قلمرو اختیارات رهبری» در عرصه فهم و اجرای شریعت/ احکام بر ماهیت و ساختار دولت اسلامی «ابتنای نظریه دولت بر نظریه رهبری» از سویی، و تعدد و تکثر انگاره‌ها پیرامون «نظریه رهبری در عصر غیبت» و قلمرو اختیارات او در عرصه فهم و اجرای شریعت/ احکام از سوی دیگر، انواع و اقسامی از الگوهای اجرای شریعت/ احکام متصور است.

۴. در یک صورت بندی، نظریه‌های رهبری را می‌توان به صورت ذیل برشمرد: نظریه ولایت مطلقه فقیه، نظریه ولایت مقیده فقیه، نظریه حربه، نظریه نظارت فقیه و نظریه انتخاب. در هر کدام از این نظریه‌ها، ماهیت و قلمرو اختیارات رهبری مختلف و

۱. در رویکردی متفاوت به شریعت و فقه، فرایند فقاہت متشکل از دو مرحله است: یک. فهم شریعت/ احکام؛ دو. اجرای شریعت/ احکام. به تعبیر دیگر، فقیه در مسیر فقاہی/ استنباطی خود، با دو استنباط مواجه است: استنباط اول (استنباط شریعت/ احکام فارغ از مقام مصلحت و اجرا) و استنباط دوم (استنباط شریعت/ احکام با لحاظ مقام مصلحت و اجرا= فقه الاقامه).

۲. یکی از انگاره‌های مطرح پیرامون فقه الاقامه و ساز و کار فهم و اجرای شریعت/ احکام دوگانه «نظریه رهبری- نظریه دولت» است. بر اساس این انگاره: اولاً: پیوستگی عمیقی میان فهم و اجرای شریعت با حکومت و نظام سیاسی وجود دارد. به تعبیر مرحوم امام خمینی (ره)، حکومت و نظام سیاسی «فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت» بوده و «نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی» بوده و «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است»: و ثانیاً: ساخت نظام سیاسی و

